

### نواقص عیوب درستی

الف عیوب نه ان - جابر حالی

ام اضافی  
کسکه  
حاشی

اگر فقط ان یک ام در جاب قرار گرفته قرار نیست در ان جا باشد ، ان ام ، ام اضافی در سله برستی است نه  
نم امی در اطراف ان ام ، هم می خورد .

سله ام اضافی با جابری قاعدت است . از نظر منطقی نقص نظر اندازد و ام اضافی یا عیب است ام سله  
است (از جنس خود سله) یا از نوع دیگر است ، این ام نوع دیگر یا به خط قرار ام سله است یا بزرگ تر یا به خط ام  
در سله برستی قرار می برد یا در فضای بین ام ها قرار می گیرد . [ در حالی که خود ام اضافی از جنس سله باشد به دلیل هم بودن  
یا اثرها ، اگر قرار در سله یا بیرون است و مجددا در جابه اول خودش قرار می برد ، مانند با این نوع سله در ام ]

مثلا سله برستی می آید در ام که نه می خواهد ام ها بر خط در ان قرار یابد ، این ام مزاحم جنس سله است یا به صورت بین  
می آید و یا به خط ام اصلی قرار می برد .  
IA SA

حرفه اگر که در صحت عیوب نظر از نوع جابری گرفته شد ، درباره ام اضافی هم صادق است ، از چند این در وجود ام ها

در سله برستی سر می خورد به برستی داخل در برستی ایجاد شود

آم شده از خصوصیات اندازه شایسته دارد با ام هم رنگی ، هر حالت پیدا می شود

(نقص داخل ایجاد نمی کند)

ام جانشینی (صحت پیدا می دارد)

ام اضافی

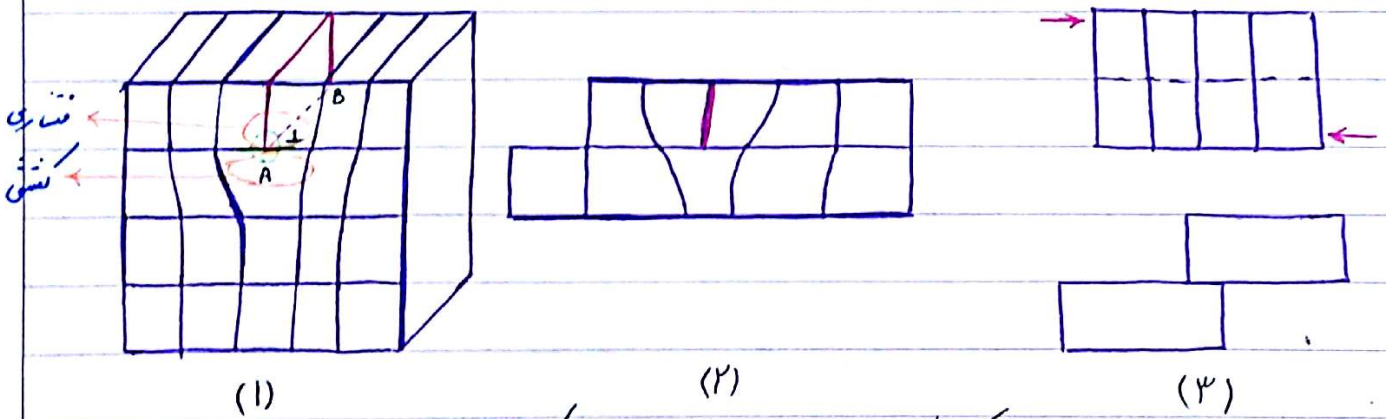
12

اتم شماره ۳، عین از اندازه نزدیک فرانت یک تین فای به اوزان خودش ایجاد می کند. تمام این کریستل ها

مکمل جاد اند. انواع اتم ها در این جا با به صورت جابجایی (تبادل) یا جابجایی که اندازه نزدیک دارد  
 دارد یا این تین که در فضای خالی سنگ شده اصلی قرار می برد در مثلاً فولاد این نوع است (اتم ها در این اندازه کوچک دارد  
 می آید در فضای خالی سه BCC آهن قرار می برد.)

ب. عبور جوی:

اگر شبکه درستی مواد از اوزان یک یا به چهاره گویا شود، به آن ابره جوی می گویند. (عبور جوی)



وجود این نیم صفحه اضافی سبب می شود که نیم اتمی در اوزان جوی AB دچار انتقال شود. به این خط AB می گویند و با عبور

جوی گویا می شود. وضعیت در یک نیم صفحه اضافی می تواند به سمت بالا باشد به با  $\perp$  نشان می دهیم که به این نامها شناخته

می شود و اگر به سمت پایین با  $\top$  نشان می دهیم که به این نامها شناخته می شود.

در شکل (۳) که می بینیم دو عدد از سبب اتمی که در این دردی که به سمت راست اعمال می شود وارد هم. این دو عدد در هم

می لغزند و در نهایت از جوی ادامه باید یک شکل به مانند به ما نشان می دهد و در این قبل از این که به شکل جوی برسد



اعمال

به شکل (۲) شبیه می شود که هم صفت در آن شخص می شود که این لایحه هم صفت انسانی هم صفت حیوانی است

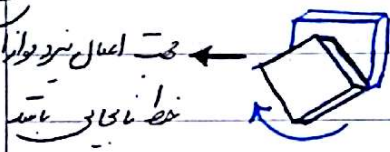
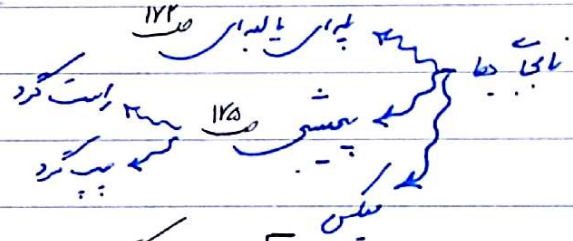
اعمال نیروی انسانی می شود که به سمت پدیدار حرکت می کند. اگر نیروی اعمال شود در وقت برقی بر دارم اول آن

کثرت شود در اثر حرکت نیروی اعمال هم این صفت دوام می شود. حالت ندارد در وقت کار وجود دارد در وقت پدیدار

است. اگر نای وجود داشته باشد صفت فایز و سلسله است زیرا قضا ارفقه بر تر باشد اثر اعمال نیروی انسانی

دهم، نای در وقت می ماند و صفت حالت انظار پدیدار می شود

حالت اعمال نیروی خود بر خود نای باشد



اگر جهت اعمال نیروی خود را در حالت

عنوانی در شکل (۱)، دو حوزه علمی را ایجاد می کند. حوزه علمی و دینی خود علمی. علمی. این دو حوزه باعث

می شود در برخی موارد نیروی اعمال می نماند نایجا ها حرکت می دهد به سمتی که صفتش فشاری نایجا به طرف دیگر

علمی علمی نایجا در و بر طبق در نتیجه معیار اعمال نیروی انسانی. صفت اصلی می باشد در این زمان معیار اعمال نیروی انسانی

صفت مازاد می شود

حج عیوب صفت است

اگر تمام این ماده مادر می دهد یک صفت دهمی نماند که آن صفت عیب در وقت نایجا نماند معنی لغوی می شود، نماند

این عیوب فرزندانها و فرزین غذاها